

## سپاه و مسأله گسست بین نسلی

علی باقی نصرآبادی  
مربی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

### چکیده

تغییر در ارزش‌ها، نظام ارزشی و شیوه‌های رفتاری، زمینه‌های فرهنگی و در نتیجه ظهور فاصله بین نسل‌ها، امروزه بیش از هر زمانی در بسیاری از جوامع به چشم می‌خورد. انقطاع نسل‌ها به معنای گسست پارادایم معرفتی و ارزشی بین نسل‌ها و گروه‌های اجتماعی یک جامعه است که در حقیقت باید حیات پیوسته‌ای را تشکیل دهند. انقطاع و شکاف نسل‌ها وقتی رخ می‌دهد که پارادایم‌های ارزشی و معرفتی نسل‌های یک جامعه گسسته شود. عوامل مختلف مادی، دستاوردهای صنعتی و فن‌آوری‌های جدید چنین پدیده‌ای را به دنبال آورده و این حرکت نظر بسیاری از صاحبان اندیشه و به ویژه جامعه شناسان را به خود جلب کرده است. هدف اصلی این مقاله بررسی کردن و پاسخ دادن به این سؤال مهم است: آیا امکان وقوع گسست بین نسلی در سپاه وجود دارد؟ بررسی‌های انجام شده، نشان از ارتباطی قوی بین نسل قدیم با نسل جدید سپاه دارد. در ادامه مقاله به نقش و وظیفه مربیان در برابر خطر گسست بین نسلی و پیشگیری اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: گسست نسلی، شکاف نسلی، تفاوت نسلی، تعارض نسلی، سپاه، مربیان آموزشی سپاه

### مقدمه

فرهنگ جامعه از طریق جامعه‌پذیری فرهنگی (Cultural Socialization) از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود و بدین طریق تداوم هویت فرهنگی و تاریخی یک جامعه امکان‌پذیر می‌گردد. اگر فرایند اجتماعی کردن و باز تولید فرهنگی جامعه به خوبی انجام شود و اشتراکات فرهنگی

افراد در جامعه و در بین نسل‌های مختلف در سطح بالایی باشد، هر کس و هر نسل طبق باورها و قواعد رفتاری مشترک و قابل پیش‌بینی عمل کرده و تداوم حیات فرهنگی جامعه تضمین خواهد شد. در این صورت تفاهم بین افراد جامعه و بین نسل‌های مختلف، به راحتی برقرار می‌شود و اختلاف و برخورد چندانی از این بابت در جامعه و در خانواده‌ها به وجود نخواهد آمد. ولی جهان در حال تغییر و خانواده و جامعه در حال دگرگونی از جمله واقعیت‌های قرن بیستم هستند که به تدریج ما را وادار به قبول واقعیت دیگری با عنوان «گسست نسل‌ها» می‌کنند. در روزگار ما مفهوم گسست بین نسلی بی‌تردید با بحران هویت پیوند و ارتباط عمیقی دارد، زیرا بحران هویت حالتی است غیر عادی که بر اثر نداشتن شناخت کافی و واقعی از خود، جامعه و فرهنگ و دیگران شکل می‌گیرد و این عامل زمینه‌ساز دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر را از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی فراهم نموده، وضعیت جدیدی به نام گسست نسل‌ها را ایجاد می‌کند، در این وضعیت غالباً نوجوانان و جوانان می‌کوشند تا آخرین پیوندهای وابستگی خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند. البته در قرن بیست و یکم عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، جمعیتی، زندگی شهری، گسترش ارتباطات و... در ایجاد پدیده گسست نسل‌ها نقش بسیار مؤثری دارند. پدیده فاصله نسل‌ها به طور اجتناب‌ناپذیری با توجه به روش‌های زندگی تداوم داشته و خود نیازمند به مطالعات بیشتر و آگاهانه در آن خصوص، شناسایی ابعاد و پیچیدگی‌های آن و همچنین دستیابی به راهکارها و شیوه‌هایی است که از آن طریق بتوان ابعاد تخریبی آن را مهار کرده و متعاقب آن بطور نسبی به وفاق اجتماعی دست یافت. تحقق این امر امروز، توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و دیگر اندیشمندان اجتماعی را به خود جلب کرده است. این مقاله در صدد است با کمک گرفتن از رویکردهای جامعه‌شناختی موضوع گسست بین نسلی در سپاه را مورد مذاکره و بررسی قرار دهد.

## مفهوم شناسی

### ۱. انقطاع نسلی (Separation of Generations)

انقطاع یا گسست نسلی زمانی صورت می‌گیرد که تحولات زیربنایی یا فکری در جامعه‌ای رخ دهد، و به دیگر تعبیر، زمانی که پارادایم‌ها (Paradigms) به ویژه پارادایم‌ها و الگوهای معرفتی تغییر کنند.<sup>۱</sup> گسست نسلی ما را در متن تحولات فرهنگی - که وجود آن برای پویایی جامعه در

عرصه‌های مختلف حیاتی است - قرار نمی‌دهد، بلکه ما را به حاشیه‌ای می‌برد که زمینه را برای فروپاشی اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌نماید و انقطاع نسلی بازخوانی انقطاع فرهنگی و اجتماعی است.<sup>۲</sup>

#### ۲. شکاف نسلی (Generation gap)

شکاف نسلی در پی فاصله نسلی ایجاد شده در دوره بحران تحقق می‌گیرد و عمدتاً پیامد ظهور نظام ارزشی و هنجارهایی نوین با شکل‌گیری گروه‌های سنی جوان جامعه با مظاهر جدید فرهنگی اعم از مادی و غیرمادی است. مفهوم شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری ما بین دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است و شکاف نسلی هنگامی محقق می‌شود که واحدهای نسلی شکل بگیرد.<sup>۳</sup>

#### ۳. تفاوت نسلی (Generation Difference)

تفاوت نسلی امری ضروری، مطلوب و اجتناب‌ناپذیر است و انکار تفاوت نسلی انکار تحول بشری را به دنبال دارد. هر نسلی از نسل دیگر قدری متفاوت می‌شود. وقتی که این تفاوت در همه امور اعم از تکنولوژی، مهارت، دانش، ارزش‌ها و حتی آیین ایجاد شود با تفاوت نسلی سروکار داریم.<sup>۴</sup>

#### ۴. تعارض نسلی (Generation Contradiction)

وقتی منابع هویتی نسلی، تقویت‌کننده یکدیگر نباشند و پیوستگی نسلی را به دنبال نداشته باشند، زمینه برای ظهور و بروز تعارض نسلی فراهم می‌گردد. به گونه‌ای که اعضای جامعه وضعیت هویت خود را در نفی و تعارض با گذشتگان خود می‌بینند. تعارض میان نسل‌ها زمانی به وجود می‌آید که تحولات روبنایی در جامعه ایجاد شود. منظور از تحولات روبنایی، تحولات اجتماعی و سیاسی در مقابل تحولات فکری و اندیشه‌ای است. تعارض نسل‌ها در مظاهر فرهنگی و سلوک اجتماعی میان قشرهای مختلف جامعه، به ویژه میان نسل جدید و قدیم رخ می‌دهد.<sup>۵</sup>

- معیارها و ملاک‌های گسست نسلی

اگر بخواهیم پدیده گسست یا انقطاع نسل‌ها را از منظر آسیب‌شناسی (Pathology) مورد مطالعه قرار دهیم، بایستی برخی معیارهای تشخیص آن را نیز بررسی و شناسایی کنیم. گرچه به

طور قاطع نمی‌توان ادعا کرد که همه این معیارها شناخته و تعریف شده‌اند و همچنین نمی‌توان ادعا کرد که وجود یک مؤلفه از مؤلفه‌های زیر لزوماً به معنای گسست نسل‌ها است، بلکه اجتماع همزمان تعدادی از این عوامل، می‌تواند دلالت بر وجود این پدیده داشته باشد. برخی از مهم‌ترین ملاک‌ها و معیارها را می‌توان به این شرح ارائه کرد:

۱. اولین ملاک این است که بین فضای معنایی دو نسل ارتباط آشکاری وجود نداشته باشد. اگر فضای معنایی عوض شود، امکان گفت و گویا بین می‌رود.

۲. دگر دیسی در آرمان‌ها و اهداف به معنای شکل‌گیری فضای آرمانی جدید

۳. در شبکه مفاهیم، در هر نسل شاهد شبکه به هم پیوسته‌ای از مفاهیم هستیم که همدیگر را کامل می‌کنند با تغییر در شبکه مفاهیم بین دو نسل جدید باید به این فکر باشیم که ممکن است انقطاعی صورت گرفته باشد.

۴. الگوییابی یا الگوگیری؛ اگر نسل جدید الگوهایش (الگوهای عملی) را از درون نسل قبلی انتخاب نکند، دنیای الگوهای دیگر می‌رود. در این صورت تفاهم نسلی قطع می‌شود و ممکن است بسیاری از مسائل عوض شود.

۵. اصطلاحات روزمره؛ اگر اصطلاحات روزمره‌ای که یک نسل به کار می‌برد با اصطلاحات نسل دیگر متفاوت باشد تفاهم بین دو نسل با مشکل مواجه می‌شود.

۶. دگر دیسی در ظواهر، پوشش‌ها، آرایش و نوع سخن گفتن.

۷. انتظارات؛ که تحصیل، نوع شغل، دوست‌یابی، ازدواج و روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.<sup>۶</sup>

۸. کاهش ارتباط کلامی؛ ارتباطی که متکی بر تفاهم و صمیمیت باشد، دنیای درونی دو نسل را به یکدیگر پیوند می‌دهد. اما اگر ارتباط کلامی میان نسل بالغ و نسل جوان کم باشد و این امر به طور مستمر و مداوم عمیق‌تر و حادث‌تر شود، تا حد زیادی بیانگر جدایی دوستان از یکدیگر است.

۹. اختلال در فرایند همانند سازی؛ وقتی که فرزندان برای همانند سازی، فرد دیگری را جایگزین شخصیت پدر یا مادر می‌کنند و انطباق رفتاری را با او انجام می‌دهند. نشانه بروز شکاف نسلی میان والدین و فرزندان است.

۱۰. کاهش فصل مشترک عاطفی؛ وجود فصل مشترک‌های عاطفی، عامل پیوند

نسل‌هاست. کاهش و فقدان آنها هم موجب گسست نسل‌ها می‌شود.

۱۱. عدم تعهد به فرهنگ خودی، به گونه‌ای که جوانان به گرایش‌های فرهنگی نسل بالغ با دیده تردید و بی‌اعتمادی می‌نگرند و همین زمینه را مجوزی برای فاصله گرفتن از آنها می‌دانند.
۱۲. ناپردباری نسل‌ها به معنای عدم تحمل یک نسل نسبت به نسل دیگر است؛ به خصوص وقتی که این وضعیت عمومیت پیدا کند.
۱۳. عدم حضور نسل جوان در مشارکت‌های اجتماعی.<sup>۷</sup>

## عوامل مؤثر در گسست نسل‌ها

عوامل مؤثر در انقطاع نسل‌ها را می‌توان از منظر داخلی یا خارجی مورد مذاقه قرار داد یا می‌توان این عوامل را بر حسب موضوعات و رشته‌های علمی به عوامل سیاسی، اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و حقوقی تقسیم کرد و یا بر حسب نقشی که در انقطاع نسل‌ها دارند به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم نمود. در اینجا به طور کلی به مهم‌ترین عواملی که به گسست بیشتر دامن می‌زند و خطر گسست نسلی را بیشتر می‌کند اشاره می‌کنیم:

### ۱. ضعف توانمندی فرهنگی

اصلی‌ترین عامل در تقویت و استحکام مدیریت فرهنگی هر کشوری مبتنی بر چهار مؤلفه است. رکن اول توانمندی فرهنگی - نرم‌افزاری است که می‌توان آن را در دو حوزه مشخص تعریف کرد. یکی حوزه دانش چرایی است. نقش این حوزه، توانمندی در تئوری‌سازی است که می‌تواند به چرایی‌ها پاسخ بدهد و به آن دانش فنی می‌گویند. حوزه دیگر، دانش چگونگی است. در این حوزه قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌ها نیز دیده می‌شوند.

رکن دوم، سخت‌افزارهای فرهنگی است، یعنی ابزارهایی که در توسعه فرهنگی نقش دارند مانند وسایل آموزشی، رسانه‌های گروهی و تمام امکانات مادی که برای توسعه فرهنگی به کار گرفته می‌شود. رکن سوم، نیروی انسانی است، یعنی مهارتهایی که در نیروی انسانی فرهنگی تعبیه شده است تا بتواند به آن چرایی‌ها، چگونگی‌ها و ابزارها پاسخ عینی بدهد. مدیریت فرهنگی رکن چهارم محسوب می‌شود. اگر این چهار رکن به طور موزون و متناسب با هم تلفیق شوند جامعه و نظام دارای توانمندی فرهنگی خواهد شد و خواهد توانست مفاهیم و هدفهای فرهنگی را به فرهنگ تبدیل کند. اما در صورتی که مدیران فرهنگی نتوانند الگوی ارزشی و چگونگی دستیابی به آن را تبیین کنند و میان ارزش‌هایی که حاکمیت تبلیغ می‌کند با

هنجارهایی که نسل جدید به دنبال آن هستند تفاوت وجود داشته باشد می‌توان نشانه‌های شکاف نسلی را مشاهده نمود.<sup>۸</sup>

## ۲. از خود بیگانگی

روند پر شتاب و فزاینده زندگی معاصر، به گونه‌ای توجه انسان را جذب کرده است که فرصتی باقی نمی‌ماند تا او به خود بپردازد. بنابراین به مرور زمان از خود بیگانه‌تر و دورتر می‌شود و احساس تنهایی نیز جایگزین احساس بالندگی می‌شود. این وضعیت در خصوص نسل‌های بالغ و جوان صادق است با این تفاوت که نسل جوان پیش از نسل بالغ از خود بیگانگی را تجربه می‌کند و از آن رنج می‌برد.<sup>۹</sup>

## ۳. گسست عاطفی، زمینه گسست فکری

از پیامدهای عصر جدید، تأکید بیش از حد بر «فردیت» انسان است، به گونه‌ای که به تدریج به پدیده «خود شیفتگی» آدمی منجر می‌شود. به اعتقاد اریک فروم «انسان خود شیفته» از مظاهر عصر جدید است،<sup>۱۰</sup> انسانی که پیوسته منتظر است تا دیگران محبت و عشق خویش را نتارش کنند، ولی چنین وظیفه‌ای را برای خود در قبال دیگران قائل نیست. به طور یک جانبه مترصد دریافت عواطف دیگران باقی می‌ماند، ولی خودگامی پیش نمی‌نهد تا محبت و عواطفش را نتار دیگران کند. نتیجه منطقی چنین وضعیتی گسست عاطفی نسل‌ها از یکدیگر است، نسل‌هایی که انگیزه کمتری برای نتار عاطفی به یکدیگر می‌یابند، زیرا خودشیفتگی و محدودیت‌های ناشی از آن مجال برای این امر باقی نمی‌گذارد.

## ۴. اشتغال روزافزون والدین

والدین بیش از گذشته در خارج از منزل سرگرم کار و تلاش‌اند و برخی از آنان دو یا حتی سه شغل را برای پاسخگویی به زندگی و نیازهایش برمی‌گزینند و بیش از همیشه خسته و آشفته‌اند،<sup>۱۱</sup> بخشی از مادران و زنان نیز برای تأمین بخشی از نیازهای خانواده به بازار کار روی آورده و از خانه و مسئولیت‌های مربوط به آن دور و غافل شده‌اند.<sup>۱۲</sup> در نتیجه، والدین از ظرفیت روحی و روانی کافی برای رو به رو شدن با فرزندانشان و حل مسائل آنان برخوردار نیستند و فقر ارتباطی<sup>۱۳</sup> آنان و نسل‌شان را تهدید می‌کند به گونه‌ای که به مرور زمان شکاف موجود میان والدین و فرزندان به عنوان دو نسل، عمیق‌تر و جدی‌تر می‌شود. از سوی دیگر، مصرفی شدن زندگی و بالا رفتن تب مصرف و تجمل‌گرایی موجب بالا رفتن هزینه‌های زندگی

و درخواست هر چه بیشتر فرزندان از والدین در این زمینه‌ها شده است نتیجه آنکه نوجوانان و جوانان به اقتضای سن و شرایط زندگی خویش تقاضاهای جدیدی مطرح می‌کنند و در مقابل، والدین به دلیل ناتوانی در تأمین این خواسته‌ها احساس نوعی سرگردانی و دشواری می‌کنند. نتیجه منطقی چنین رویدادی، فاصله گرفتن دو نسل از یکدیگر است، روندی که احتمالاً به جدایی کامل نیز منجر خواهد شد.

## ۵. فناوری پیشرفته ارتباطات

از دستاوردهای عصر ارتباطات، ظهور رایانه‌های عظیم و پدیده‌هایی همچون اینترنت و ماهواره است. ماهیت این پدیده برای نسل جوان جذاب و فوق‌العاده است، در حالی که نسل بالغ را چندان بر نمی‌انگیزد، زیرا آنان بیش از مجذوب شدن، احساس نگرانی می‌کنند. نگرانی از پیامدهای نامطلوب، زیان بار و ضدفرهنگی این پدیده‌ها، نگرانی بی‌موردی نیست، چون فرجام کار، جذب شدن نسل جوان و ارتباط برقرار کردن با این عوامل است. مسائلی چون تهیه، خرید، به‌کارگیری و نحوه استفاده از این پدیده‌ها نیز موجب بروز مشکلاتی در ارتباط عاطفی روحی و فکری دو نسل در محیط خانواده می‌شود و در مواردی نیز منجر به برخوردها و اصطکاک‌های ناخواسته‌ای میان آنها می‌شود. این امر موجب می‌شود که نسل جوان جذب فن‌آوری پیشرفته ارتباطات می‌شود و نسل بالغ از آن فاصله می‌گیرد، به مرور زمان منجر به جدایی نسل‌ها از یکدیگر خواهد شد.<sup>۱۴</sup>

## ۶. بلوغ دشوار و نوجوانی پررنج

صاحب‌نظران علم روان‌شناسی و تربیتی، بلوغ را مرحله دشوار زندگی و نوجوانی را دوره انتقال به سال‌های جوانی می‌دانند.<sup>۱۵</sup> فهم و درک شرایط بلوغ هم برای خود فرد و هم برای اطرافیان مشکل است و ادامه آن در سال‌های نوجوانی، همچنان بر این دشواری می‌افزاید. از پیچیدگی‌های موضوع یکی این است که بعضی از رفتارهای نوجوان را بزرگ‌ترها به درستی و دقت تفسیر نمی‌کنند و غالباً زمینه زدن برچسب‌های منفی به وی را فراهم می‌کنند. تداوم چنین بینشی نسبت به نوجوان، به تدریج وی را دلسرد می‌کند و از اعتماد به نفس او می‌کاهد از این رو، به اطرافیان و افراد بالغی که منشأ تصویری منفی از وی هستند، بی‌اعتماد می‌شود و از آنان فاصله می‌گیرد و به کسانی که به تمجید وی می‌پردازند، یعنی همسالان و دوستان می‌پیوندد.<sup>۱۶</sup>

## ۷. فقر فرهنگی

یکی از مهم‌ترین عناصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ، فصل ممیز و معرف گوهر آدمی است که به زندگی انسان غنا می‌بخشد. فرهنگ آینه تمام‌نمای زندگی اجتماعی انسان است که جوهر وجودی انسان در آن رخ می‌نماید. «ادوارد تایلور» مردم‌شناس انگلیسی در سال ۱۸۷۱ میلادی در کتاب «فرهنگ ابتدایی» تعریف از فرهنگ را اینگونه ارائه می‌دهد:

فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده‌ای که در برگیرنده دانسته‌ها اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد.<sup>۱۷</sup>

بر مبنای چنین تعریفی، فرهنگ پدیده‌ای متأثر از تلاش‌های جمعی مردم در حوزه اندیشه‌ها و باورهاست و فصل مشترک میان جامعه و مردم محسوب می‌شود. بنابراین از یک منظر می‌توان گفت که فرهنگ عاملی است که دو یا چند نسل را به یکدیگر پیوند می‌دهد و در صورتی که جامعه دچار انقطاع فرهنگی شود، به‌طور طبیعی دچار انقطاع نسل‌ها نیز خواهد شد زیرا عامل وحدت بخش که همان فرهنگ ملی و خودی است، حضوری با معنا در میان آنها ندارد و انسان بریده از فرهنگ و تاریخ خویش انسان یتیم است. چنین انسانی البته و خواه ناخواه شکاری است برای همه و صیدی است برای هر صیاد.<sup>۱۸</sup>

## ۸. فقدان هویت اجتماعی

با توجه به اینکه بخش مهمی از هویت شخصی افراد در اجتماع شکل می‌گیرد، طبیعی است که بخش بزرگتر و مهم‌تر هویت اجتماعی آنها نیز در اجتماع شکل بگیرد و معنا پیدا کند. این سخن که می‌گوید «شعور افراد، وجود آنان را تعیین نمی‌کند، بلکه وجود اجتماعی آنان شعورشان را تعیین می‌کند»<sup>۱۹</sup> اهمیت هویت اجتماعی را نشان می‌دهد. بدیهی است که هویت اجتماعی در خلأ شکل نمی‌گیرد بلکه از تعلق فرد به جامعه ناشی می‌شود. بر این اساس، هویت اجتماعی هر فرد بر اساس جایگاه فرد در اجتماع تعریف می‌شود. لذا هرگونه عاملی که موجب تضعیف و کمرنگ شدن هویت اجتماعی یک نسل شود، متقابلاً بر پیوند آن با جامعه اثر می‌گذارد و با سست شدن پیوندهای یاد شده، جدایی نسل‌ها از یکدیگر به مرور زمان محقق خواهد شد.



## ۹. نفوذ فرهنگ بیگانه

با ورود فرهنگ بیگانه به یک جامعه، نوعی استحاله فرهنگی (cultural transmutation)<sup>۲۰</sup> در برخی از آحاد جامعه و نیز برخی روشنفکران به وجود می‌آید. در این فرایند، نوجوانان و جوانان بیش از دیگران در معرض هجوم فرهنگی قرار می‌گیرند و با گرایش و تعلق به فرهنگ بیگانه، به طور تدریجی خود را در مقابل نسل بالغی درمی‌یابند که به فرهنگ سنتی و اصیل خویش تکیه دارند، به گونه‌ای که هر نسل ناگزیر می‌شود برای دفاع از موجودیتش با سرسختی از فرهنگ خود دفاع کند. چنین موضع‌گیری‌هایی در مواقعی به جدایی نسل‌ها و در مواردی دیگر به تضاد و تقابل نسل‌ها منجر می‌شود. ویروس فرهنگ بیگانه وقتی به بدن جامعه‌ای وارد شد بیرون راندن آن دشوار است و چنانچه کشوری عناصری از فرهنگ بیگانه را که دقیقاً با فرهنگ بومی آن جامعه در تضاد است وارد جامعه خود کند زمینه‌های گسست نسلی را در خود فراهم ساخته است.

## ۱۰. ناتوانی از همدلی با نسل آینده

همزیستی دو یا چند نسل در پرتو بصیرت و رویکردی (Approach) حاصل می‌شود که از «حال» به «آینده» معطوف باشد و توانایی نگاه به آینده و اندیشه آینده‌نگر را دارا باشد. در صورت فقدان چنین بینشی، حوزه مسائل مورد علاقه هر نسل بسیار محدود و تنگ‌نظرانه خواهد بود. در حیطه بسته چنین اندیشه‌ای، جایی برای پرداختن به دیگران و مسائل مورد علاقه آنان باقی نمی‌ماند، زمانی همپل (Hempel) در بحث «فلسفه تاریخ» اظهار نمود که:

برای درک صحیح تاریخ باید با آن همدلی نموده و راهکار مربوط را این می‌دانست که آدمی خود را آن‌چنان در متن حوادث و رویدادهای گذشته قرار دهد تا همان‌گونه مسائل گذشته را درک و تحلیل نماید که گذشتگان، درک می‌کردند.<sup>۲۱</sup>

اکنون بیش از همدلی با تاریخ گذشته، نیازمند همدلی با آینده، و به ویژه نسل‌های آتی هستیم. به ویژه جوانان، باید بتوانند افق دید خود را گسترش دهند و فراتر از زمان حال، آینده را ملاحظه نمایند و نیازهای آینده را نیز همچون نیازهای فعلی، مهم، قابل اهمیت و در خور توجه ببینند.

## ۱۱. فقدان الزام معنوی

به نظر می‌رسد که عوامل تغییر - که از مختصات زندگی معاصر است - در میان نوجوانان و جوانان رو به گسترش است، اما هسته مرکزی به معنای ارزش‌های درونی وجود انسانها به دلیل

دگرگونی‌های سریع و ناتوانی انسان در تحلیل و ارزیابی رخدادهای جهان صنعتی امروز چندان رشدی نکرده است. این عامل به مرور زمان فاصله میان نسل جوان و ارزش‌ها را بیشتر می‌کند و بدین ترتیب فاصله میان نسل جوان و حامیان ارزش‌ها (نسل بالغ) نیز عمیق‌تر و جدی‌تر می‌شود. یکی از کارشناسان سازمان یونسکو در این باره می‌گوید:

میان نیروهای تغییر در دنیای خارج و هسته مرکزی وجود انسان، تباین رو به گسترش وجود دارد. این دو ممکن است که روزی متقابلاً به انهدام یکدیگر روی آورند. مگر آنکه جهان ارزش‌ها بر جهان مادی تفوق یابد.<sup>۲۲</sup>

## ۱۲. تحولات جمعیتی

تحولات جمعیتی از عوامل مؤثر و زمینه ساز گسست نسلی به شمار می‌رود. در حال حاضر با سه روند جمعیتی و تحول جمعیتی در کشور مواجه‌ایم: روند اول، افزایش نسبی جمعیت به خصوص در دهه ۶۰ است. متوسط رشد جمعیت در کشور به طور نسبی بالاست و تعداد جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در این افزایش قابل توجه است. روند دوم، افزایش شهرنشینی به رغم کاهش میزان مهاجرت است. روند سوم، ظهور پدیده‌ای به نام اقتصاد سیاسی نسل جدید که ترکیب جمعیتی آن در کشور بیش از پنجاه درصد است بدیهی است که رشد طبیعی و تدریجی جمعیت لازمه تداوم نسل بشر است و کشورهای با جمعیت بسیار کم فاقد یکی از مؤلفه‌های قدرت‌اند.<sup>۲۳</sup> اما در صورتی که این رشد غیرطبیعی سریع و بالا باشد می‌تواند انقطاع نسل‌ها را به دنبال داشته باشد.

ایران نیز کشور جوانی است که ظرف دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی جمعیتش تقریباً دو برابر شده و نسبت شهرنشینی هم افزایش یافته است. بر اساس معیارهای جمعیتی، جامعه ایران جامعه‌ای شهری شده و درصد شهرهای دارای بیش از یک میلیون نفر جمعیت، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. از سوی دیگر توسعه ارتباطات، آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش داده و در مجموع این دگرگونی‌ها دگرگونی‌های نگرشی و ارزشی احتمالی می‌تواند علائم هشدار دهنده‌ای تلقی شوند. بنابراین اگر ساختارها و گردانندگان نسل قدیم جامعه نتوانند به خواسته‌های نسل جدید پاسخ مناسب دهند، قطعاً زمینه شکاف نسلی فراهم خواهد گشت.

### ۱۳. فرآیند گذار از سنت

به مجموعه‌ای از پیش فرض‌های اساسی، مفاهیم و گزاره‌ها در زمینه موضوعی خاص پارادایم می‌گویند. به عبارت دیگر پارادایم به معنی سرمشق، الگو، شالوده فکری، نمونه الگویی و نظامی از قواعد و شکل‌ها و روشهای علمی است که مورد تقلید جامعه علمی قرار می‌گیرد.<sup>۲۴</sup>

شکاف پارادایمی به معنی شکاف الگویی نیز بیانگر عدم انسجام فکری بین نسل قدیم و جدید است به نحوی که شیوه‌های فکری، معرفتی، اجتماعی، دینی و اقتصادی میان دو نسل را به هم می‌زند و میان باورها، ارزش‌ها و چهره معرفتی دو نسل فاصله ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر زمانی که بر اثر تغییرات تکنولوژیکی، میان الگوهای فکری و معرفتی دو نسل از نظر ارزشی تعارض ایجاد گردد، زمینه برای شکاف پارادایمی به وجود می‌آید.

شکاف پارادایمی که امروز بشر با آن مواجه است، عمدتاً محصول مدرنیته است. مدرنیته پروژه‌ای جهانی است که فقط در اروپا اتفاق نیفتاده است بلکه تغییرات پارادایمی در بستر مدرنیته تحولات شگرفی در سراسر دنیا داشته است. لذا اگر این فرضیه قابل قبول باشد که نسل قدیم سنتی‌تر است ولی نسل جدید آمادگی زیادی برای گذار از سنت دارد، باید گفت که بیشتر جمعیت جامعه ما که نسل جدید است در مرحله گذار به سر می‌برد. بر این اساس انقطاع و شکاف و حتی تعارض نسل‌ها در جوامع در حال گذار امری قابل پیش بینی و تحقق است. بنابراین هر جا که سنت و نهادهای سنتی سخت‌گیرتر، متعصب‌تر عمیق‌تر و ریشه دارتر باشد تعارض و انقطاع نسل‌ها می‌تواند خود را بیشتر نشان دهد.<sup>۲۵</sup>

### دیدگاه‌های موجود در زمینه وجود گسست نسلی

در خصوص موضوع گسست یا پیوستگی نسلی نظریات متعددی ارائه شده است. برخی از نظریات بر این نکته تأکید دارند که فاصله بسیار زیادی بین نسل‌ها در جامعه مدرن وجود دارد که ممکن است به تحول انقلابی منجر شود. در این دسته، از اندیشمندانی مانند مارگارت مید، کارل مانهایم و رونالد اینگلهارت می‌توان نام برد. کارل مانهایم معتقد است:

در درون یک نسل خرده گروه‌ها (یا واحدهای نسلی) می‌تواند شکل بگیرند. این خرده گروه‌ها از یکدیگر متفاوت اند و حتی ممکن است که نسبت به هم حالت خصومت‌آمیز داشته باشند.<sup>۲۶</sup>

بنابراین نگرش‌های متضادی بر واقعیت درون یک نسل وجود دارد. بخشی از این تضادها

به سایر ویژگی‌های اجتماعی مانند جنس، قومیت و طبقه اجتماعی افراد باز می‌گردد. این‌گله‌ها در نظریه خویش تحت عنوان «دگرگونی ارزش‌ها» به بحث شکاف نسل‌ها توجه کرده است و گسست نسلی را واقعیتی انکارناپذیر می‌داند. وی با آزمون دو فرضیه اصلی خود (اجتماعی شدن و کمیابی) در سطح کشورهای پیشرفته صنعتی در یک دوره زمانی، به این نتیجه رسید که پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی می‌توان انتظار داشت که بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگ‌تر با جوان‌تر تفاوت‌های محسوسی مشاهده شود. این اولویت‌های ارزشی باید تحت تأثیر تجربه‌های مختلفی باشند که در گذر سالها شکل گرفته‌اند.<sup>۲۷</sup>

از جمله متفکرانی که با دیدگاه خرد به بررسی روابط بین نسلی پرداخته‌اند می‌توان از «فید» و «سگالن» نام برد. سگالن معتقد است که اختلاف عقیده و کنش‌ها در روابط دو نسل، معمولاً بر سر وسیله و نه هدف بروز می‌کند. این امر بازتاب سیر تحولات تاریخی و نه نشانه بروز اختلال در درون خانواده یا تعارض شدید بین گروه‌هاست. در بسیاری از شرایط معاصر رویارویی بین جوانان و افراد مسن در عمل حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون طبقاتی است.<sup>۲۸</sup> برخی معتقدند که گسست نسلی در ایران با پایان یافتن جنگ تحمیلی و دگرگونی نظام ارزشی، جامعه ما در دو جهت به هم مرتبط به پیش رفت. از یک طرف، ارزش‌های مادی و نابرابری گسترش یافت و از طرف دیگر و همسو با آن، ارزش‌های مذهبی تضعیف شد.<sup>۲۹</sup> یافته‌های تحقیقات در ایران که به بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پدران و پسران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران و همچنین شکاف نسل‌ها پیش و پس از انقلاب می‌پردازد،<sup>۳۰</sup> نشان می‌دهد که شکاف نسلی میان مادران و دختران وجود ندارد و تنها تفاوت‌هایی جزئی مشاهده می‌شود که قابل توجه و معنا دار نیست. در واقع تفاوت ارزشی دو نسل نسبت به قبل از انقلاب اسلامی کاسته شده است و نوعی همسویی و همگرایی، بیشتر از شکاف و فاصله در نگرش‌های دو نسل مشاهده می‌شود.<sup>۳۱</sup> بنابراین فرضیه رفیع پور مبنی بر دگرگونی نظام ارزشی که با تضعیف ارزش‌های مذهبی آغاز می‌شود و همزمان و به موازات آن ارزش‌های مادی تقویت می‌شود، در جمعیت نمونه تحقیق تأیید نشده است. اما بعضی دیگر از این نظریات چنین ادعا دارند که شکاف نسل‌ها وهم و خیالی بیش نیست و معتقدند:

اساساً شکافی میان نسل‌ها وجود ندارد. آنچه هست اختلافات ناچیز یا در مواردی نادر، قابل توجه است که به طور طبیعی در تمامی جوامع و از جمله کشور ما وجود دارد.<sup>۳۲</sup>

دیدگاه سومی نیز وجود دارد که نقطه وسط دو دیدگاه قبلی محسوب می شود و معتقد به پیوستگی و تفاضل‌گزینشی نسل‌ها است. بر اساس این دیدگاه، ارزش‌های مورد قبول یکسان می‌تواند خود را در قالب الگوهای رفتاری مختلفی نشان دهد.<sup>۳۳</sup>

### - جایگاه سپاه پاسداران در نظریه گسست یا پیوستگی نسلی

بحث اصلی بر سر این است که آیا اولویت‌های ارزشی دو نسل در سپاه بیش از حد معمول متفاوت شده و از هم فاصله گرفته است یا اینکه بین نسل قدیم و نسل جدید هنوز هم پیوستگی وجود دارد؟ در این باره سه رویکردی که در طول تاریخ به بررسی روابط بین نسلی پرداخته بیان نمودیم و اکثریت نظریه پردازان معتقد به پیوستگی و تفاضل‌گزینش نسل‌ها هستند و بر این نکته تأکید دارند که در ابعاد مهم زندگی مانند ارزش‌ها پیوستگی میان نسل‌ها وجود دارد، ولی در ابعاد با اهمیت کمتر مانند عقاید سیاسی عدم پیوستگی و اختلاف وجود دارد. اگر نتایج تحقیقات علمی انجام شده در زمینه گسست نسلی و سخنان مقام معظم رهبری و فرماندهان سپاه در زمینه خطر دنیا‌گرایی<sup>۳۴</sup> و تهاجم یا شبیخون فرهنگی را دنبال کنیم به این نتیجه می‌رسیم که آنان از وضعیت سپاه در دوران گذار و انتقال نگران بوده‌اند و از تحت تأثیر قرار گرفتن نسل جوان از ارزش‌های غربی احساس خطر نموده‌اند.<sup>۳۵</sup> در پاسخ به این سؤال که آیا امکان گسست نسلی در سپاه وجود دارد، باید گفت در صورتی که مسئولان و فرماندهان سپاه از تأمین معیشت نیروها، گسترش و تهاجم فرهنگ غرب به کشور، همدلی و گفت‌وگو بین نسلی و به طور کلی از فرامین مقام معظم رهبری به سپاه غافل شوند، خطر گسست بین نسلی سپاه را تهدید خواهد نمود و تعارضات نسلی را دامن خواهد زد، لکن انقطاع فرهنگی و اجتماعی به معنای بریدگی کامل ارزشی میان دو نسل در سپاه امکان ندارد.

### - راهکارهای پیشگیری از گسست بین نسلی در سپاه

در بحث راهکارها، راه‌حل‌های جدید و اساسی برای پیشگیری از گسست بین نسلی در سپاه وجود دارد که عبارتند از:

۱. همدلی، اعتماد و تقویت هم‌زبانی جهت گفت‌وگو لازم

۲. مشارکت عملی نسل قدیم با جدید در تعیین سرنوشت و در تدبیر امور سازمان

۳. انعطاف پذیری و برخورداری از روحیه اصلاح‌گری در مواجهه با نسل جدید و مطالبات آنها که فراتر از ظرفیت ساختارهای موجود است.

۴. صداقت در رفتار و گفتار نسل قدیم عامل مهمی در همگرایی و وفاق نسل جدید است. صداقت در رفتار و گفتار نسل با تجربه در سپاه باعث احساس «ما» در جمع نسل جدید می‌شود و در این صورت اعتماد دو نسل به همدیگر افزایش می‌یابد.

۵. مسئولان و فرماندهان فرهنگی سپاه بایستی اهتمام بیشتری در تقویت هویت فرهنگی نسل جدید نمایند، چراکه احساس بی‌هویتی و سوء فهم در هویت خود فرد را در خلأ سرگردان می‌کند.

۶. پرهیز از رفتار ناپسند و غیر معقول از سوی نسل قدیم. زیرا چنین رفتاری نه تنها شیوه مناسبی برای تربیت نسل جدید در سپاه نیست، بلکه مانعی جدی در پیوند خوردن نسلها مطرح است و به صورت مستقیم و غیر مستقیم روند شکاف بین نسلی را تسریع می‌کند.

۷. تجدید نظر در مدیریت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و دخالت دادن نسل جدید در پست‌های مدیریتی با رعایت ضوابط.

۸. در برخورد با نسل جدید، تحول معنایی و تحولات فرهنگ جهانی را مد نظر داشته باشیم.

۹. اطلاع‌رسانی صحیح به جوانان بعد از جنگ.

۱۰. تشکیل شورای تخصصی جهت تدوین خط‌مشی‌ها و حل مشکلات نسل جدید در سپاه.

۱۱. نسل قدیم باید در برخورد با نسل جدید از سطحی‌نگری و توهم زدگی و عدم درک جریان آزاد اطلاعات بپرهیزد.

۱۲. در برخورد با نسل جوان باید آموزه‌های دینی چون، فرزندان خود را نه برای امروز بلکه برای بیست سال آینده تربیت کنید، توجه داشته باشیم.

۱۳. ساماندهی مشکلات معیشتی نسل جدید در سپاه.

با توجه به راهکارهایی که تا اینجا داشته‌ایم می‌توان نتیجه گرفت که برخوردهای تربیتی، فرهنگی و دینی مسئولان سپاه با نسل جدید در مجموع کارنامه موفق‌تری را از خود به منصفه ظهور نگذاشته است. بالطبع بسامان کردن روابط بین نسلی در سپاه اولاً نیازمند برنامه‌هایی بلندمدت و ثانیاً نیازمند به عزمی جدی در سطح مسئولان نظام است.

## رسالت مریبان در مسئله گسست بین نسلی در سپاه

رسالت اصلی مریبان آموزشی در برخورد با مسئله گسست بین نسلی در سپاه عبارتند از:

۱. شناخت و آگاهی دقیق از موضوع گسست بین نسلی که تحقق این امر انجام تحقیقات عمیق و نظریه پردازیهای سیاسی - اجتماعی بر اساس معارف الهی در حوزه دانش و معرفت است.

۲. در حوزه سیاست عملی مریبان آموزشی برای پیشگیری بهتر از خطر گسست بین نسلی در سپاه باید در آموزش‌های خود به متریبان بر نگرش جهانی و جهان شمولی اسلام که بسیار ضروری و مورد نیاز است و ریشه در بحث کرامت انسانی و نگرش فرامذهبی دارد تکیه شود.

### نتیجه‌گیری

مطالعه نظام ارزشی و خطر گسست بین نسلی در سپاه و بررسی تفاوتها و تشابهات نسلی توجه ما را به نکات مهم زیر جلب می‌کند:

۱. فاصله نسلی عمدتاً پیامد ظهور ارزش‌ها و هنجارهای نوین بین نسل‌ها و گروه‌های سنی جوان جامعه با مظاهر جدید فرهنگی اعم از مادی و معنوی است.

۲. گسست نسلی خود می‌تواند از منابع مختلف ناشی گردد، اما این پدیده اغلب به دنبال ارتباط داشتن با فرهنگ‌های دیگر تحقق می‌یابد.

۳. ابتکارات و اختراعات در تغییر الگوها و هنجارهای نسل جوان تأثیر فراوان دارد و این جریان حتی فضای فکری، عاطفی جوانان را دگرگون می‌سازد.

۴. با ورود به قرن بیست و یکم و افزایش میزان سرعت تغییرات اجتماعی و به دنبال آن جریان جهانی شدن نظام‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و... در آینده انتظار فاصله نسلی بیشتری را نیز باید داشت.

۵. اختلافات دو نسل قدیم و جدید در سپاه لزوماً بد نیست. وجود چنین اختلافاتی تا حدی طبیعی است و برای رشد و شکل‌گیری شخصیت دو نسل ضرورت دارد، تا آنان که محصول شرایط متفاوتی می‌باشند خود را آماده زندگی در شرایط متفاوتی بنمایند.

۶. همچنین باید دانست که اختلاف بین دو نسل لزوماً به معنای بریدن نسل جدید از نسل گذشته نیست. همیشه نسل جدید با نسل قدیم خود اختلاف داشته‌اند ولی این سبب انقطاع فرهنگ آن جامعه نبوده است. بنابراین ما باید بیشتر نگران این باشیم که از طریق رفتار نادرست

خود با نسل جدید در سپاه و بزرگ کردن اختلاف آنان با خود آنان را وادار به گریز از ارزش‌های اساسی فرهنگی دینی خود کنیم.

۷. اگر راه‌های ارتباطی مناسب و کارآمد بین دو نسل قدیم و جدید در سپاه وجود داشته باشد باید نسل قدیم با نسل جدید صمیمانه مسائل خود را مطرح و با گفت و گوهای متین و مستدل زمینه گفت‌وگوهای هم‌دلی و هم‌زبانی را فراهم کنند. با وجود پذیرش مسئله از طرف هر نسل است که از طریق گفت و شنود و هم‌فکری فاصله بین نسلی در سپاه را می‌توان کاهش داد و پل‌های ارتباطی نیرومندی بر مبنای احترام متقابل و درک شرایط و نیازهای طرفین ایجاد کرد به گونه‌ای که هم همبستگی خانواده‌های سپاهی حفظ شود و هم رضایت همه اعضای دو نسل تأمین گردد.

### پی‌نوشتها

۱. علی‌اکبر علیخانی، گسست نسل‌ها، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ص ۵۴، ۱۳۸۲.
۲. تقی آزاد ارمکی و غلامرضا غفاری، جامعه‌شناسی نسلی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ص ۲۰.
۳. همان، ص ۱۷.
۴. گسست نسل‌ها، ص ۱۰۰.
۵. همان، ص ۵۴.
۶. همان، ص ۷۸-۷۵.
۷. همان، ص ۱۱۴-۱۱۲.
۸. همان، ص ۲۲۸-۲۲۷.
۹. همان، ص ۱۱۵.
۱۰. اریک فروم، هنر عشق ورزیدن، ترجمه پوری سلطانی، (تهران، مروارید ۱۳۶۶)، ص ۱۴.
۱۱. ر.ک: علی باقی نصرآبادی، مدیر موفق، فصل آسیب‌شناسی روانی - اجتماعی مدیران پرمشغله، (قم، نشر لوح محفوظ، ۱۳۷۹)، ص ۱۰۳.
۱۲. ر.ک: «عوارض نابسامانی خانواده و تربیت فرزندان، مجله پیوند، ش ۱۸۳، دی ۱۳۷۳، ص ۳۲.
۱۳. ر.ک: «آیا در برقراری ارتباط با فرزندانان موفق هستید»، مجله پیوند، ش ۱۸۴ بهمن ۱۳۷۳، ص ۴۲.
۱۴. علی‌اکبر علیخانی، همان، ص ۱۱۷.
۱۵. ر.ک: برنهارد شفرز، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران، نشر نی ۱۳۸۴، ص ۸۷.
۱۶. علی‌اکبر علیخانی، همان، ص ۱۱۷.
17. Horton paul B, chester L. Hunt. Sociology. Mc Graw - Hill, 1972 p, 52.
۱۸. علی باقی نصرآبادی، مبانی جامعه‌شناسی (قم، نشر یاقوت، ۱۳۸۲)، ص ۱۲۰.
۱۹. علی‌اکبر علیخانی، مبانی هویت و بحران هویت (تهران پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳)، ص ۱۵۱.



۲۰. ر.ک: نفوذ و استحاله، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله (تهران، ۱۳۷۸)، ص ۱۹.
۲۱. ر.ک: پوپر، کارل، فقر تاریخی گری، ترجمه احمد آرام، (تهران، انتشارات خوارزمی ۱۳۵۸)، ص ۱۵۱.
۲۲. جمعی از نویسندگان، آموزش و پرورش برای آینده (مرکز تحقیقات آموزش سازمان پژوهشی و برنامه ریزی آموزشی)، ص ۲۶-۲۴.
۲۳. برای آگاهی بیشتر بحث رشد و توسعه جمعیت ر.ک: علی اصغر کاظمی، نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، (تهران، نشر قومس ۱۳۶۹)، ص ۱۴۶.
۲۴. باقر ساروخانی، درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰، ص ۵۱۸.
۲۵. حمید نگارش، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، (نمایندگی ولی فقیه در سپاه ۱۳۸۰)، ص ۱۶۲.
۲۶. علی اکبر علیخانی، پیشین، ص ۳۵۷.
۲۷. رونالد اینگلهارت، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر (تهران انتشارات کویر ۱۳۷۳)، ص ۷۶.
۲۸. مارتین سگالین، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی (تهران نشر مرکز ۱۳۷۰)، ص ۲۲۵.
۲۹. فرامرز رفیع‌پور، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی (تهران ۱۳۷۸)، ص ۲۷.
۳۰. ر.ک: هادی جلیلی، شکاف نسل‌ها پیش و پس از انقلاب اسلامی (تهران، اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگی عمومی، معاونت پژوهشی وزارت ارشاد ۱۳۷۷)، و نیز کاوه تیموری، بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پدران و پسران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۳۱. همان، ص ۶۸-۶۳.
۳۲. هادی جلیلی، «شکاف نسل‌ها» فصلنامه فرهنگ عمومی، ش ۱۵-۱۴، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۷۱.
۳۳. محسن فردرو و دیگران، جامعه و فرهنگ، ج ۳ (تهران، انتشارات آرون، ۱۳۸۰)، ص ۱۱.
۳۴. ر.ک: نشریه رویدادها و تحلیل، ش ۱۱۳ فروردین ۱۳۷۵ بحث در پرتو کلام رهبری و پیامدهای سوء دنیاگرایی ص ۱۳-۱۵.
۳۵. ر.ک: نشریه رویدادها و تحلیل، ش ۱۴۱، بهمن ۱۳۷۷، سخنرانی فرماندهی محترم کل سپاه، ص ۵۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی